



توجه به ارزش های معماری بومی؛

عاملی برای ارتقای هویت در سیمای شهری

ابوالفضل حیدری^۱، سید مهدی مداحی^۲، آرش ادیب^۳، مهدی نوری^۴

۱- دانشجوی دکترای معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- دانشجوی دکترای معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۳- کارشناس ارشد مردم شناسی فرهنگی، مدرس دانشگاه پیام نور واحد بم

۴- دانشجوی کارشناسی عمران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان



Abolfazl_3137@yahoo.com

نام ارائه دهنده: ابوالفضل حیدری

خلاصه

رشد شکاف بین گذشته و حال و فرسایش فرهنگ بومی، لزوم توجه بیشتر معماران به کالبد معماری بومی را ایجاب می کند. با انتشار روز افزون فرهنگ های غالب زمان ما و اقتصاد صنعتی جدید، مظاهر تاریخی فرهنگی موجود در سرزمین های دوردست از جمله معماری بومی رو به زوال بوده و انسان از بازشناسی محدوده های فرهنگی و معماری بومی، قبل از ثبت مشخصات آن ها، محروم می گردد. نمونه های فرهنگ سنتی و کالبد این معماری که در زمان حاضر یافت می شوند هر یک در خود پیامی از دوره های مختلف تاریخ نهفته دارند. مطالعه هنر و معماری بومی می تواند سرفصل رهایی بخش معماران از الگوبرداری نادرست معماری بی هویت امروزی در طرح های خود باشد. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای، ضمن بیان تعاریف مختلف معماری بومی در جستجوی هویت برای ارتقای کیفیت طراحی در سیمای شهری می باشد.

کلمات کلیدی: بوم، معماری بومی، طراحی معماری، هویت، سیمای شهری

۱. مقدمه

شناخت محیط و معماری تنها با درک فعالیت های انسان در دنیای پیرامونش امکان پذیر است و هدف معماری را می توان ایجاد انگاره ای انسانی در درون شکل کالبدی دانست. بنابراین اگر بپذیریم که معماری بازتاب کالبدی زندگی بشری است باید دریابیم که معماری امروز و فردای ما نمی تواند بی رابطه با معماری گذشته باشد (ربوبی، ۱۳۸۴: ۵۷). گفت و گو درباره معماری بومی، سابقه ای چندان طولانی ندارد. شاید بیش از نیم قرن نیست که به پیچیدگی ها و مشخصه های معماری بومی پرداخته می شود (فلامکی، ۱۳۸۴: ۱۰). پدیده معماری بومی به عنوان مقوله ای در زیبایی شناسی و عرفان، در خلوص اندیشه و احترام به طبیعت، موضوعی بسیار با اهمیت می باشد. معماری بومی با آنکه در طول تاریخ، دستخوش پدیده های دگرگون کننده بوده است ولی توانسته هویت ویژه خود را حفظ کند و نمایانگر آداب و رسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر آنان باشد (دادخواه، ۱۳۸۴: ۹۸). مشکل عمده از آنجا آغاز می شود که رشد شتابان جوامع صنعتی در قرن های اخیر و به تبع آن تأثیر پدیده های صنعتی در دیگر جوامع، فضای شهرهای کهن را دستخوش تحول کرد؛ تحولی که به میراث فرهنگی و تجربه ارزشمند حاصل از آن به عنوان یک مانع پیشرفت نگرست؛ و با این نگرش سعی در تخریب و طرد هویتی کرد که به عنوان سنت در جوامع برقرار بود. امروزه گرچه با تکیه بر تکنولوژی پیشرفته به